

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌میسری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • شماره ۴۹۱۸ • ۱۲ صفحه ۸۸۹۲۵۴۶۷
تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۵-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترک‌کین: ۸۸۹۰۳۵۴۸
توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز • تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: مصمیم

شرق

شنبه ۱۷ شهریور ۱۴۰۲ • ۲ ربيع‌الاول ۱۴۴۶ • ۷ سپتامبر ۲۰۲۴ • سال بیست‌ویکم • شماره ۴۹۱۸ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۲:۰۲ • اذان مغرب ۱۸:۴۱ • اذان صبح فردا ۴:۱۶ • طلوع آفتاب ۵:۴۲

www.sharghdaily.com

aparat:tasvirshargh

Telegram:SharghDaily

youtube:sharghdaily

twitter:sharghdaily



تعطیلات شهریور ۱۴۰۲،زمینه سفر بسیاری از هموطنان به سواحل شمالی کشور را فراهم کرده است.

در این میان ساحل شهرستان عباس‌آباد در استان مازندران، یکی از مقاصد مورد توجه گردشگران است.عکس: مهدی محبی پور، ایرنا

instagram:sharghdaily1

اتفاق‌خوانی

۴ مدال از المپιάد کامپیوتر مصر

نتایج تیم ملی ایران در المپιάد جهانی ۲۰۲۴

تیم المپیوتر مصر اعلام شد و ایران در رتبه نهم جهان ایستاد. در این مسابقات، اعضای تیم ملی ایران شامل «امیرعلی عسگری» از علامه حلی تهران، مدال طلا، «امیررضا درستی» از علامه حلی تهران، مدال نقره، «امیرحسین فرخنده‌فر» از شهید سلطانی ۳ کرج، مدال نقره و «پارسا پورچ» از شهید سلطانی ۳ کرج، مدال برنز را دریافت کردند. در مجموع تیم ملی المپیاد کامپیوتر ایران با کسب یک مدال طلا، دو مدال نقره، یک مدال برنز و ایستادن در رتبه نهم تیمی، المپیاد کامپیوتر جهانی (IOI) را پشت سر گذاشت. علی شریفی‌زارچی در شبکه ایکس اطلاع داد: «با ارتباط مستقیم دکتر عراقچی و وزیر خارجه مصر، وزای تیم ملی المپیاد کامپیوتر ایران صادر شد تا برای نخستین بار، یک تیم المپیاد ایران در این کشور حضور یابد».

این اقدام عباس عراقچی، وزیر امور خارجه کشور، سبب شد تا دانش‌آموزان مستعد ایرانی بتوانند در این المپیاد جهانی حضور داشته باشند؛ حضوری که کمی قبل‌تر از آن نامید شده بودند و احساس می‌کردند فرصت شرکت در این المپیاد را از دست داده‌اند.

پیش از این، تیم‌های ملی و دانشگاهی ایران از حضور در مسابقات علمی مختلف به میزبانی مصر، به دلیل عدم صدور ویزا، بازمانده بودند.

۵.۵

سال

محمدجواد محمودی، رئیس مؤسسه تحقیقات جمعیتی کشور، با استناد به آمار اعلام کرد میانگین سن در اولین ازدواج نسبت به ۵۵ سال گذشته، به تفکیک برای مردان حدود ۳.۵ سال و برای زنان ۵.۵ سال افزایش یافته است.

۲۷ هزار

نفر

بیش از ۲۷ هزار نفر از شرکت موسوم به طراوت نوین رضایت‌خودرو که مبادرت به پیش‌فروش خودرو می‌کرد، شکایت کردند. شکایان مبلغی افزون بر هشت هزار میلیارد تومان در اختیار شرکت مزبور قرار داده بودند.

۲۱ میلیون

نفر

به گفته استاندار مازندران در یک هفته اخیر حدود ۲۱ میلیون نفر به این استان سفرکردند. او ارتقای زیرساخت‌ها را به شرط توسعه و خدمات‌رسانی بی‌حودصر به مردم وعده داد. این درحالی است که صحنه‌های حضور مردم در کنار خیابان‌ها و پارک‌ها را نمی‌توان فراموش کرد.

سازمان آگهی‌های روزنامه شرق

۸۶۰ ۳۶۱۱۹

WWW.SHARGHDAILY.IR

ارتباط با روزنامه شرق

T.ME/ALOSHARGH

WWW.SHARGHDAILY.IR

آیا هوش مصنوعی می‌تواند خلاق باشد؟ می‌تواند هنر بیافریند؟

شعر بسراید؟ یا اگر اینها هنوز برایتان سؤال است، تحولات هوش مصنوعی را از نزدیکی بی‌نگرفته‌اید؛ چراکه مدتی است از شعرگفتن و نقش‌زدن و طرح‌انداختن هوش مصنوعی می‌گذرد. در این صورت، چرا همچنان بحث‌های نظری در انکار این دستاوردهای شگفت‌انگیز از رواج نیفتاده است؟ به نظر می‌رسد بخشی از تقلای ما برای منحصردانستن شاعرانگی، آفرینشگری و تالیف به امری انسانی ناشی از نگرانی نسبت به پیامدهای پذیرش عاملیت عینی غیرانسانی باشد. شاید ناخودآگاه دریافته‌ایم که پاسخ مثبت به همین چند پرسش ساده، چطور تعاریف و تصورات ما از مفاهیمی کلان‌تر را فرو می‌ریزد. تمرکز این نوشته بر همین جهش‌های معرفتی است که متأثر از عاملیت هوش مصنوعی شکل می‌گیرد.

تحولات فنی و علمی مهم عموماً به جهش‌های جدی معرفتی در مواجهه با سوالات بنیانی منجر شده‌اند. از انقلاب کوپرنیکی گرفته تا فرگشت و از کالیله تا گوتهبرگ، هرکدام نگاه ما را به جایگاه انسان در هستی و نسبتش با آفرینش (گر) متحول کرده‌اند.

کسانی که چشم به تحولات هوش مصنوعی بسته‌اند، عموماً انکارشان را با اتکا بر دستگاه استدلالی پیشینی ساده‌ای تقریر می‌کنند؛ مثلاً اینکه هوش مصنوعی فاقد فلان کیفیت است (مثلاً الهام، اراده، احساس، اعتقاد، باور، بداهه، شهود، حیرت، تعمد، تجربه، خیال، یا (خود)کاگی) و از این مقدم نوعی ناتوانی را در حوزه‌های خلاقه برای هوش مصنوعی استنتاج می‌کند. مفروض این نگاه (صرف‌نظر از صدق و کذب) بر برداشتی انسان‌انگارانه از هوش مصنوعی است که از اساس گمراه‌کننده است. شاید انتخاب واژگان ارگانیک (مثل هوش و عصب) به این آرایه تشخص بخشی به هوش مصنوعی دامن زده باشد. هرچه باشد، این سوگیری انسان‌وار از هوش مصنوعی به‌طور متناقض‌نمایی ناشی از ناتوانی ما در تصور نحوه‌های فهم فرانسانی است. در نتیجه فقدان الهام، شهود، احساس و انتخاب (به فرض درست‌بودن) اساساً در تعیین مؤلفیت و آفرینندگی هوش مصنوعی موضوعیت ندارد. کیوتزی را تصور کنید که معتقد است انسان چون از حس ششم تشخص میدان مغناطیسی زمین بی‌بهره است، در جهت‌یابی سرزمینی هم ناتوان است؛ منطقی پیشینی و منفک از واقعیات که بر نگاهی کیوتز‌انگارانه از مسیریابی بنا شده.

فهم روش‌نگر از هوش مصنوعی نیازمند آشنایی‌زدایی از آن است. علاوه بر نگاه انسان‌واره از هوش مصنوعی، پیش‌ذهنیت‌های دیگری نیز فهم ما از هوش مصنوعی را دچار کژتابی می‌کند. مهم‌ترین این سوگیری‌ها، تعمیم‌های تقلیل‌گرایانه نسبت به هوش مصنوعی است. اولاً، هوش مصنوعی پدیده‌ای منفرد و همگن نیست، ما درواقع با هوش‌های مصنوعی مواجه هستیم که عملکردشان به نوع معناداری از هم متمایز است. نحوه کار ابزارهای متن‌محور (فعللاً) با تصویرمحور متفاوت است. حتی ابزارهای هوش مصنوعی تصویری مبتنی بر شبکه‌های مولد تخصصی با مدل‌های انشاری تفاوت جدی دارند. با وجود (و شاید دقیقاً به خاطر) همین تفاوت‌های درخور توجه در الگوریتم‌های مختلفی که تحت عنوان غیردقیق و گسترده هوش مصنوعی می‌شناسیم، لازم است میان پروسه و برون‌داد هوش مصنوعی نیز تفکیکی جدی قائل شویم.

اگر عجلاتاً قضاوتگری درباره هر کو نکند فهمی (که مفهومی انسانی است) را کنار بگذاریم، توافق بر سر اینکه کلکش خیال‌انگیز است، سخت نخواهد بود. شواهد هم کم نیستند. مثلاً احمد الجمال (و تیم همکارانش) در سال ۲۰۲۱ کار را روی سمفونی ناتمام دهم بتهوون شروع کردند. بتهوون در حالی که بخش زیادی از موومان اول را طرح‌ریزی کرده بود، درگذشت؛ مابقی قطعه و سه موومان دیگر توسط هوش مصنوعی تولید شد. نتیجه کار به‌گونه‌ای بود که مستمعان بتهوون‌شناس هم نمی‌توانستند مرز بین بخش انسانی و مصنوعی اثر را تشخیص دهند. در موردی دیگر، بهترین عکس سال ۲۰۲۳ سونی که به عکاس آلمانی بوریس الدگسن تعلق گرفته بود، در نهایت تولید هوش مصنوعی از آپ درآمد. به بیانی دیگر، برون‌داد هنری هوش مصنوعی نه‌تنها قابل تمیز از آثار انسانی نیست، بلکه در بالاترین رده‌ها با آن رقابت می‌کند. بگذریم از این باور یوال نوح هراری

انسان‌زدایی از هوش مصنوعی



وچیدوحدت

استادیارمعماری وطراحی داخلی در دانشگاه ایالتی واشنگتن

که در هنگام مقایسه، خلاقیت را بیشتر ویژگی هوش مصنوعی می‌داند تا انسان. او شاهد ادعایش را مسابقات شرطنج عنوان می‌کند؛ جایی که داروان موقعی مشکوک می‌شوند که هوش مصنوعی به بازیکنی تقلب رسانده که حرکت مهره‌اش خلاقانه، بدیع و بکر باشد.

اتخاذ نگاهی انسان‌زده، متکثر و برون‌داد‌پذیر از هوش مصنوعی چه چشم‌اندازی از جهش‌های معرفتی پیش‌رو ترسیم می‌کند؟ در وهله اول، ماهیت بیگانه هوش مصنوعی دیگری مورد تمنای انسان برای بازتعریف خویش را فراهم کرده است. برخلاف تصور رایج که انسان هوش مصنوعی را به صورت خویش آفریده که عموماً به این نتیجه می‌انجامد که با شناخت (عصب‌شناسانه) انسان، رفتار هوش مصنوعی هم قابل فهم خواهد شد، به نظر می‌رسد اتفاقاً مدل‌های هوش مصنوعی دریافت محدود (عصب‌شناسانه) از انسان را هم فریتر کرده‌اند. برای مثال، تکنیک ادراک پیش‌بینانه در هوش مصنوعی توضیح روشنگرانه‌ای از خصوصیت معنی‌پنداری در انسان به دست داده است. یا تکنیک پس‌انتشار خطا، آن‌طور که نیل لیچ، معمار متخصص هوش مصنوعی، نشان داد، توضیح قانع‌کننده‌تری از سازوکار طراحی خلاقانه فراهم کرده است. اریک هاوُل عصب‌شناس نیز با اتکا بر مطالعاتش در حوزه هوش مصنوعی، رؤیادین را واکنش به پیش‌برازش اطلاعات دریافتی انسان توصیف کرده است. بی‌جهت نیست که اسلاوی ژیزک، فیلسوف اسلاوونیایی، می‌گوید شاید اتفاقاً هوش انسانی است که شبیه هوش کامپیوتر است.

درک پیچیده‌تری که هوش مصنوعی از معنای انسان‌بودن فراهم کند، ویژگی‌های متناسب به انسان نظیر تالیف و تجربه و خلاقیت و احساس و اراده را هم بی‌نصب نمی‌گذارد. وقتی بیوستار واقعی/مصنوعی را جایگزین نگاه دوگانه‌انگار کنیم، تالیف هم کیفیتی طفی می‌یابد. تالیف خاکستری بر اساس همین نگاه پساانسانی به انسان معنی می‌دهد. در این نگاه که پرچم‌دار آن دانا هاواروی (روش‌نگر حوزه مطالعات فمینیستی) است، انسان کلیتی است متغییر و متکثر که امتدادهای تکنولوژیک را با اندامی جدایی‌ناپذیر از او به حساب آورد. در این طیف می‌توان عاملیت را به‌طور کلی به ماشین واگذار کرد (برای مثال آثاری را تصور کنید که با ورودی حداقلی و مبهم در میدجرتنی تولید می‌شوند) یا در مقابل چنان تقویت کرد که حتی سبک عامل انسانی قابل تشخیص باشد (برای مثال در حوزه معماری به کارهای میدجرتنی، چانتال متر، جاشوا ورمیلیون و حسن رجب مراجعه کنید).

مطابق این رویکرد بیوستاری، مصرف آثار خلاقه را نیز نمی‌توان همگون قلمداد کرد. برای مصرف‌کننده‌ای که دنبال حظ زیبایی‌شناسانه است، ممکن است شیوه خلق اثر بلاموضوع باشد. مثلاً ممکن است برای برخی خوانندگان این نوشته اهمیتی نداشته باشد که آیا این سطور تا مادامی که حرف جالبی برای گفتن دارند، محصول هوش انسانی‌اند یا مصنوعی. به این معنا و در این شرایط، شاید بتوان حکم به مرگ موقت مؤلف هم داد. جالب اینکه اگر مقاله مشهور رولان بارت، از پردازندگان اصلی نظریه مرگ مؤلف را از دریچه تالیف خاکستری بازخوانی کنیم، به‌طور حیرت‌انگیزی منطقی بر وضعیت متن‌هایی است که هوش مصنوعی می‌نگارد. مثلاً اینکه نویسنده مقدم بر متن نیست و هر دو هم‌زمان زاده می‌شوند. یا اینکه متن از کانون‌های فرهنگی بی‌شمار تولید می‌شود و اینکه نقش نویسنده درهم‌آمیختن نوشتن‌هاست.

در شرایط دیگر اما، نقطه مقابل این رویکرد به همان روشنی قابل شرح است. به این معنی که هوش مصنوعی، حتی در مواردی که دست بالاتر را دارد، می‌تواند به تکریم هوش انسانی بینجامد. مثلاً

خبرخوانی

فرونشست تخت جمشید، باید‌ها و نباید‌ها؟

اقلیدی، مدیرکل میراث فرهنگی استان، از وقوع این پدیده در اطراف نقش رستم خبر داده که به‌همین‌دلیل کاوش‌هایی نیز در منطقه در حال انجام است.

همه این اخبار در حالی منتشر می‌شود که تخت جمشید دومین اثر باستانی ایران محسوب می‌شود که به‌عنوان میراث جهانی، به ثبت یونسکو رسیده است. اما «فرونشست» تا چه حد تخت جمشید و دیگر اثر‌هخامنشی منطقه؛ یعنی نقش رستم را تهدید می‌کند؟ مهدی پارسایی، استاد دانشگاه و پژوهشگر میراث فرهنگی، به تجارت‌نیوز می‌گوید: «درباره رسیدن این پدیده به تخت جمشید و نقش رستم، پژوهش مستلدی که متخصصان انجام داده و منتشر کرده باشند، در دسترس عموم قرار ندارد اما به طور کلی، فرونشست معمولاً مناطقی

بسیاری ممکن است مسابقات شرطنج را با جدیت دنبال کنند، درحالی‌که بیش از دو دهه است که بازی انسانی در مقابل نبوغ، زیبایی و خلاقیت بازی هوش مصنوعی چیزی در چنته ندارد. این ارجحی که برای مؤلف انسانی، صرف‌نظر از ارزش محصول آن، در نظر می‌گیریم، البته بی‌سابقه نیست. کسی که نقاشی کودک خردسالش را قاب می‌کند، لزوماً از آثار داوینچی بی‌خبر نیست. غارنگاره‌های انسان‌های نخستین هم ضرورتاً به سبب زیبایی خیره‌کننده یا مهارت تکنیکی ستوده نمی‌شوند، بلکه ارزش‌شان را از کیستی مؤلف‌شان می‌گیرند.

تولید اثر هم به همین ترتیب دستخوش تغییر جدی است. اینکه آثار تالیفی هوش مصنوعی برتر از مشابه انسانی‌اش باشد، به توقف تولید انسانی نمی‌انجامد. شاعران شعر خواهند گفت، نه ضرورتاً به این سبب که گمان می‌کنند از هوش مصنوعی (یا حتی حافظ، شکسپیر و گوته) پیشی خواهند گرفت، بلکه در سودای حس رهایی‌بخش آفرینشگری است که می‌سرایند. شرطنج‌بازان هم نه از سر توهم رقابت با هوش مصنوعی که از شسور و جذبیه بازی است، بلکه از خانه‌های سیاه و سفید دل نمی‌کنند. اما بازی‌کردن و شعرگفتن و اثر آفریدن پس از هوش مصنوعی تفاوت‌هایی جدی با گذشته دارد. هوش مصنوعی، به قول ماریو کلیینگمن، از پیشگامان هنر مصنوعی، چراغ جادوست. آرزوهای هنرمند را می‌تواند برآورده کند. اینکه هنرمند از غولش چه بخواهد، وجه تمایز او خواهد بود. «کستاس تردیزیس»، استاد حوزه طراحی و هوش مصنوعی نیز معتقد است باید فرض کرد با وجود هوش مصنوعی همه فرم‌ها از پیش وجود دارند، جایی در معدنی انبار شده‌اند و تنها کار هنرمند این است که آن را استخراج کند. «گرهم هارمن»، فیلسوف آمریکایی نیز معتقد است پس از هوش مصنوعی، وجه منتقد هنرمند است که اهمیت بیشتری خواهد یافت. همین توانایی درک زیبایی‌های جدید، متفاوت و تجربه‌ن نشده، خودش هنری است که همچنان خریدار خواهد داشت. اتفاقاً بیگانه‌پنداری هوش مصنوعی به این موضع اهمیتی دوچندان می‌بخشد. ابزارهای هوش مصنوعی رایج امروز به سطح قابل فهم انسانی تنزل یافته‌اند. به محض آنکه قدری از انتظارات انسانی فاصله می‌گیرند، متهم به توهم می‌شوند. معلوم نیست اگر هوش مصنوعی بدون قیود انسانی شعر بگوید، برای ما فهمیدنی باشد. موسیقی‌اش ممکن است به دلمان ننشیند. لطفیه‌هایش را به کل درنماییم. همان‌طور که نبوغ حرکت ۳۷ آلفاکو در مقابل لی سدول (قهرمان کره‌ای بازی گو) در بدو امر روشن نبود و چه‌سبا حرکات دیگری که هنوز نبوغ‌شان برایمان منکشف نشده است. هنرمند به این معنا کسی است که توانایی‌اش شناخت این گنج پنهان باشد.

تغییرات متأثر از هوش مصنوعی همچنان شتابی دارد که هر تلاشی در ترسیم دورنمای آن، نقش‌زدن بر آب است. واری‌سی این نوشته در کیفیت‌تأثیرگذاری معرفتی هوش مصنوعی نیز از همین دست است، وگرنه دریافت دقیق از این جهش‌ها را باید موکول کرد به دوره‌ای که پساتصنع نامیده‌ام. درست است که واژه مصنوعی (مخصوصاً در انگلیسی) تداعی‌کننده هوش غیراصیل، قلابی و به قول آقای همساده «هوش پلاستیکی» است و از این جهت انتخابی است نامناسب، اما «پسا» در ترکیب پساتصنع پیشوند عبور از وضعیت حیرت است. دوره‌ای که هوش مصنوعی دیگر امری بهت‌آور، شگفت‌انگیز و مبهم نیست که موضوع بحث، هراس، شیفتگی، بلاتکلیفی و حتی مقاله‌های نظری مشابه همین نوشته باشد. دوره‌ای که احتمالاً واژه هوش مصنوعی هم منسوخ شود؛ کلبیتی به نام هوش. با عمومیت و تکثر و پذیرش تنوع هوشی، به جای آن نشینند. اتفاقاً اگر نیازی بر به تمایز بود، پسوند انسانی بیشتر به کار بیاید. همان‌طور که واژه خودرو بدون سرنشین، در زمانه‌ای که هیچ ماشینی راننده انسانی نداشته باشد، بی‌معنی است و اتفاقاً دین‌گاه‌وبیگاه خودروهای باسرنشین انسانی عجیب خواهد بود و نیازمند پسوندی توصیفی. این نوشته هم گرچه خروجی چت‌جی‌بی‌تی نیست اما نمی‌توان آن را سراسر محصول هوش انسانی دانست. مگر به معنای پساانسانی آن. گوئی مؤلفان این زمانه از خاکستری‌بودن ناگزیرند؛ چراکه همین امکانات دم‌دستی فنی نظیر تکمیل جمله، پیشنهاد مترادف‌ها و حتی این خط قرمز غلط‌گیری که سخت‌گیرانه زیر واژه غلط‌گیری نشسته نیز همگی نوعی از هوش مصنوعی‌اند.

اقتصادخوانی

به همین سادگی؟

وچیدمعمدنژاد

جناب رئیس‌جمهور، شبه‌شب گذشته در قاب سیما ساده بودید. به‌سادگی سخن گفتید و به‌سادگی از گذشته‌تان برای ملت ایران گفتید و این ادبیاتی بود که کمتر در رؤسای جمهور گذشته جلوی دوربین شاهد بودیم! نمی‌دانیم این را به فال نیک بگیریم یا به قیل‌وقالی که در پس ذهنتان می‌چرخد! تا اینجای کلام خیلی خودمانی و درحد تعارف با شما بود که خودتان نیز بی‌تکلف با ما «کب جامعه‌پسند» زدید، اما از اینجا به بعد اگر وارد حیطه مسنولیتی که به شما سپردیم شویم، از لابه‌لای سخنانتان زکراتی اهم فی‌الاهم است. با ذکر شاخص‌ها شروع کردید که این یادآور مقدمه بر هر صفحه‌ای از کتاب سیاست در تمام حکومت‌ها و دولت‌هایی است که سعی بر ارائه فصل‌هایی از شیوه حکومت‌مداری به نفع مردم جامعه‌اش، به معرفی خود می‌پردازد و سرانجام در پی نائل‌نشدن به اهداف خویش در پایان کتاب سیاست، نتایج را جواری دیگر به پایان می‌برد؛ از عدالت گفتید که واژه‌ای است «دهن‌پرکن» و هر فرد ایرانی هر روز آن را در هر «ارجاع اداری و کاری» در تمام حوزه‌ها فقط بر قاب اویزان بر سر در هر مکان مربوط می‌بیند و در واقع فاصله زیادی تا حصول آن است. از نابرابری و ناترازی کسب علم گفتید که این خود ریشه در تمایزی دارد که پیشینیان دولت‌های قبل پایه‌گذار آن بودند. والا قبل‌تر از آن همسکان در کنار هم با یکدلی و با همان سنت قدیمی که شما هم به آن اشاره کردید با کوله‌باری از کاغذ و قلم بر میزهای چوبی به رایسکان تحصیل علم می‌کردیم و بر کرسی‌های بلندمرتبه تخصصی می‌نشستیم و خدمات مؤثری نصب نیازمندان به علم علم‌اندوز می‌شد.

از سرمایه و سرمایه‌گذاری سخن رانیدید که کشوری با منابع سرشار از قییل نفت و جاذبه‌های گردشگری چیزی باید درحال‌حاضر التماس برگشت سرمایه و سرمایه‌دارانی، چه داخلی و چه خارجی را در قالب طرح و برنامه برای جذب آنان داشته باشد؟ مبلغی هنگفت از جذب سرمایه برای رشد اقتصادی به زبان آوردید که این سه نوبه خود در کشوری غنی و سرشار از ثروت جای بسی تعمق دارد! و اشاره‌تان به فضای مجازی چه خوب و با مهارت، ارجاع به مراجع بالادستی کردید که آیا بشود و آیا نه! ارتباط با همسایه‌ها و سایر دولت‌های خودی و غیرخودی و اینکه در این مدت کوتاه زمامداری‌تان با ۴۰ رئیس‌جمهور و رئیس مجلس مذاکره داشتید، تقسیم‌وقتی است که به نظر نگارنده از زمان پیشی گرفته‌اید! از بدنه دولتی گفتید که قرار است نوسازی و ترمیم شود و به این به صورت مشورتی در قالب راهبرد دولتتان اشاره کردید. این مدل هرچند تکراری، در هر انتقال قدرتی انجام می‌شود، اما مهم تبعیض فرد یا مسئولی نیست که آنچه مد نظر جامعه است نوع تفکر و نگاه غالبی است تا هر مسئولی خود را ملزم به همان عدالتی که شما در هر سخن‌تان به آن اشاره می‌کنید، بداند و با همان شیوه امیرالمؤمنین تمام ابلاغیه‌ها را در راستای کره‌مشایی و رفع تبعیض‌ها اجرا کند!

از امن‌اوغل تورم که در گفت‌وگویتان از زین اسب‌شده‌اش بدین سادگی پیاده نخواهد شد و شما و دولتتان نیز جرئت مقابله با آن را به این سادگی که شبه‌شب بر صفحه تلویزیون از آن رد شدید، کجا بر سفره ایرانیان زانو به زمین خواهد زد؟ و مهم‌تر از همه مُهر تأیید نظام را چه به لحاظ سیاسی و چه اقتصادی در پیشبرد اهداف خود بر لوج برنامه‌های آینده‌تان گرفته‌اید. و جناب دکتر پزشکیان، چه شمال می‌کنید و چه شونده و بی‌بردا در هر بیننده‌ای با شما حس راحتی و یکدلی می‌کنند. این آیا در سیاست امروز ایران جایگاهی دارد و یا اینکه این روشی است تا شما پیشگام در ارائه سیاستی باشید که بنابر تجربه سایرین دراز نظام جمهوری اسلامی بر «اقناع به سبکی جدید» جامعه را ولو در کوتاهمدت به سمت «رضایت نسبی» هدایت کنید که این همه آیا به همین سادگی است؟ جناب دکتر پزشکیان، به قول کریستیان بوین، «همه گرفتارند» و برای حرف‌زدن فقط حرف‌زدن کافی نیست، باید شنیده شوید.